

# گفته‌گو



اسارت یوزایرانی در زندان توسعه بی‌قواره

## توران؛ آخرین پناهگاه یوزایرانی

اعظم ذوالفقاری منظری

خبرنگار



توسعه بی‌ملاحظه معادن و جاده‌ها بالای جان یوزایرانی شده و این گونه نادر را به مرز انقراض رسانده است. طبیعت ایران، تنوعی بی‌نظیر از گونه‌های مختلف جانوری و گیاهی را در خود جای داده است. این گونه‌ها اکوسیستم‌های مختلف طبیعی را در فلات ایران و سرزمین‌های اطرافش شکل می‌دهند و باعث می‌شوند که زندگی طبیعی جریان داشته باشد و به تبع آن، ادامه زندگی انسان هم روی زمین امکان‌پذیر باشد. حفاظت از محیط زیست، به معنی محافظت از بخش‌های مختلف محیط زیست، یعنی نگهداری گونه‌های گیاهی و جانوری است و به همین دلیل است که وقتی خبر انقراض یک گونه جانوری می‌رسد، مردم نگران می‌شوند؛ هم طبیعت به سرگ خود نزدیک شده، هم ما نتوانسته‌ایم از امانت خداوند به خوبی نگهداری کنیم. در ایران گونه‌های در معرض انقراضی وجود دارد که وظیفه حفظ این گونه‌ها به عهده سازمان حفاظت محیط زیست است. شاید وضعیت هیچ گونه در معرض انقراض در ایران به اندازه یوزپلنگ ایرانی بغرنج نباشد؛ گونه‌ای که به اذعان آمار رسمی، کمتر از ۲۰ قلاذه از آن در



پروژه تکثیر یوزایرانی از چه زمانی آغاز شد؟

اینطور نبوده که سازمان حفاظت محیط زیست ابتدا با هدف تکثیر یوزایرانی مجموعه‌ای را ایجاد کند، بلکه به دلیل فرصت‌هایی که به ناچار با آنها مواجه شدیم و ظرفیت‌هایی که اجتناب‌ناپذیر ایجاد شد، ما به سمت تکثیر یوزایرانی رفتیم. زمانی که ما ریتا، توله‌ای که امکان بازگشت به طبیعت را نداشت، کوشکی و دلبر بالاجبار در دوران تولگی از طبیعت جدا شدند و در اسارت نگهداری شدند، باعث شد ما به سمت تکثیر یوز حرکت کنیم.

آغاز تکثیر از دهه ۹۰

در دهه ۹۰ تلاش‌های پراکنده و متعددی برای فرایند تکثیر صورت گرفت و حتی روی دلبر با کمک مشاوران خارجی تلاش‌هایی صورت گرفت که در حقیقت هم جفت‌گیری و هم زادآوری و تکثیر در اسارت صورت گیرد، اما هیچ کدام منتج به نتیجه‌ای که قابل قبول باشد و توله‌ای گرفته شود، حاصل نشد. تا اینکه یوز ماده چهار ماهه‌ای به نام ایران در منزل شخصی کشف شد که فردی این حیوان را زنده‌گیری و نگهداری کرده بود. سازمان حفاظت محیط زیست یوز را تحویل می‌گیرد. این حیوان در آن زمان چهارماهه و نابالغ بود. این یوز بالغ می‌شود و سال قبل به چهار سالگی می‌رسد و وارد فرایند تکثیر شد. برای تکثیر نیاز به یوز نر هم بود که ۲ سال قبل، یک قلاذه یوز نر نیز زنده‌گیری می‌شود و به مجموعه اضافه می‌شود. سال قبل جفت‌گیری می‌شود که حاصل آن سه توله بود و بقیه داستان این یوزها را همه می‌دانند.

اکنون این ظرفیت وجود دارد. علاوه بر آن، ۲ توله یوز دیگر، در سن دو هفته‌ای، سال گذشته به این مجموعه اضافه شدند. بعداً این دو توله را آذر و توران نام‌گذاری کردند. این

دو حیوان هم نمی‌توانند به طبیعت برگردند و اجتناب‌ناپذیر در فرایند تکثیر در اسارت از آنها هم استفاده می‌شود.

تکثیر یوز در اسارت در صورت اجبار

مشکلات تکثیر در اسارت چیست؟ چه

اجباری در این نوع حفظ گونه یوزایرانی

وجود دارد؟

تکثیر در اسارت گوشت‌خواری مانند یوز غالباً موفقیت‌آمیز نیست که مولود آن به طبیعت بازگردند، بنابراین براساس دانش و فن حفاظتی این است که تا جایی که می‌شود گونه را در طبیعت حفظ می‌کنیم و از تکثیر در اسارت که مولدان نمی‌توانند به طبیعت بازگردند، استفاده نکنیم، مگر اینکه مجبور باشیم.

درست است که جمعیت زیادی از یوزها را در طبیعت از دست داده‌ایم و شاید شرایط ما نسبت به گذشته بحرانی‌تر شده، اما هنوز در ذخیره‌گاه زیست کره توران و محدوده‌های اطراف آن، واجد یک جمعیت هرچند کوچک از یوزپلنگان ایرانی است که اگر برنامه‌ریزی مناسبی صورت گیرد و همکاری دستگاه‌ها و جوامع محلی کمک کنند، می‌توانیم این گونه را احیا کنیم و این بسیار ارزشمندتر از این است که هزینه‌های خود را صرف تکثیر در اسارت یوزایرانی کنیم و مولودهای را پرورش دهیم که قابلیت بازگشت به طبیعت را ندارند.

اما این نکته را هم اضافه کنم که چون گونه بسیار ارزشمند است، ما وظیفه خودمان می‌دانیم که از فرصت‌هایی که در اختیارمان قرار می‌گیرد و اجتناب‌ناپذیر است، استفاده کنیم. یعنی این یوزهایی که در اسارت هستند، به هر حال به عنوان ذخایری برای حفظ ژنوم گونه بسیار ارزشمند هستند و به آن توجه می‌کنیم. اما این نکته را تأکید می‌کنیم که بیشتر نگاه و توجه ما و همکاری مردم و حساسیت‌ها باید به سمت حفظ زیستگاه و از بین بردن موانعی باشد که در زیستگاه به یوز آسیب می‌زند.

این گونه جانوری از ابتدا چنین شرایطی داشته؟ چه دلایلی باعث شده وضعیت این گونه به این شکل شود که حفاظت محیط زیست برای نگهداری گونه مجبور به استفاده از چنین روش‌هایی باشد؟

این موضوعی چند وجهی است. تقریباً از اواسط دهه ۱۳۳۰ با پیدایش سلاح‌های پیشرفته، ادوات شکار پیشرفته و همینطور وسایل نقلیه بیابانی بهتر مواجه شدیم و همین موارد ابزار بهتری برای شکار حیات‌وحش در اختیار بشر قرار داد. از آن زمان میزان برداشت از طبیعت افزایش پیدا کرد و باعث شد بسیاری از جمعیت گونه‌های دشت‌زی و همینطور در ادامه گونه‌هایی که در کوهپایه‌ها و کوه‌ها زندگی می‌کردند، از دست بدهیم. وقتی جمعیت گونه‌هایی مانند آهو، جیبر، قوچ و میش در طبیعت شدت کاهش پیدا کرد، جمعیت طعمه خورانی مانند یوزپلنگ که غذای آنها همین گونه‌ها بود، کاهش پیدا کرد. بعدها در اواسط دهه ۵۰ و ۶۰ توسعه هم شدت افزایش پیدا کرد و بسیاری از زیستگاه‌ها با اهداف کشاورزی، جاده‌سازی، ساخت مراکز صنعتی، اداری و خدماتی، شهرسازی و ویلاسازی و بسیاری از کاربری‌های دیگر، زیستگاه‌ها تغییر کرد. وقتی این زیستگاه‌ها تغییر کرد، فرصت احیای جمعیت طعمه‌خوار در بسیاری از مناطق کشور از دست رفت.

زخم توسعه بر گونه یوزایرانی

از طرف دیگر توسعه باعث شد بسیاری از زیستگاه‌ها تکه تکه شوند؛ مخصوصاً جاده‌ها اثر مهمی در تکه تکه شدن زیستگاه‌ها داشتند. اکنون هم می‌بینیم که مسأله اصلی بقای یوز، موضوع جاده‌ها است. توسعه باعث شد که متأسفانه با جمعیت‌های جزیره‌ای گونه‌ها مواجه شویم. ارتباط جمعیت‌های یک گونه که قطع شد، حتی مشکلات درون جمعیتی هم مزید بر علت شد؛ یعنی تنوع